



۱-اول به این سوالات توجه کنید!

– «اگر می‌خواهیم مشکلات این کشور حل شود،

چه بایدکنیم؟»

– «عزت ملی، امنیت ملی، اقتدار ملی و پیشرفت همه‌جانبه چگونه به دست می‌آید؟»

– «چطور کشور را تیرومند کنیم؟ عناصر اقتدار برای کشور چه چیزهایی است...»

شما خواننده محترم، در هر گوشه این کشور که باشید و با هر سلیقه و رفتار اعم از سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... که زندگی بکنید، قطع به یقین نهایت آرزوی‌تان همین‌هاست؛ حتی اگر سری به شبکه‌های پارس‌ی‌زبان بیگانه بزنید، می‌بینید بعضی از آن طرف آبی‌ها هم مدعی‌اند در صدد پاسخ به این سوالاتند. خب! برای رسیدن به چنین ایرانی چه باید کرد؟ اجازه دهید سوالات بالا را از زبان صاحب سخن فرزانه‌اش کامل بیاورم:

– «این از روی لجاجت نیست، از روی تعصب و حمیت جاهلیت نیست، این به‌معنای این است که اگر این کشور می‌خواهد غبار عقب‌افتادگی قرن‌ها تحمیل را از سر و روی خودش پاک کند، اگر می‌خواهیم مشکلات این کشور حل بشود، اگر می‌خواهیم این کشور عزت پیدا کند، رفاه پیدا کند، کشوری بشود که از لحاظ پیشرفت‌های مادی و معنوی و اخلاقی و فرهنگی الگو بشود، باید راه انقلاب را ادامه بدهیم...»

(۹۵/۸/۲۶- در جمع مردم اصفهان)

– «ما برای ملت ایران امنیت ملی می‌خواهیم، عزت ملی می‌خواهیم، سلامت عمومی می‌خواهیم، رفاه عمومی می‌خواهیم؛ پیشرفت همه‌جانبه می‌خواهیم، استقلال از قدرت‌های سلطه‌گر جهانی را می‌خواهیم، شکوفایی استعدادها را می‌خواهیم، رها شدن و نجات یافتن از آسیب‌های اجتماعی – مثل اعتیاد و فساد و امثال اینها- را می‌خواهیم... چگونه می‌شود اینها را به دست آورد؟ عزت ملی، امنیت ملی، اقتدار ملی و پیشرفت همه‌جانبه به دست می‌آید؟ من عرض می‌کنم بدون اینکه کشور یک اقتصاد قوی داشته باشد، اینها به دست نمی‌آید؛ نیاز ما اقتصاد قوی، تولید قوی، همراه با مدیریت قوی است...» (۹۶/۱/۱۰ - در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی)

– «ما باید کشور را تیرومند کنیم؛ چطور تیرومند کنیم؟ عناصر اقتدار برای کشور چه چیزهایی است؟ من چند موردش را می‌شمرم: یکی ایمان اسلامی است... عنصر ایمان دینی در همه حرکت‌ها روشن است، شما از قضیه تنباکو شروع کنید... مشروطیت، حرکتی بود که با پیش‌آهنگی علما که مظهر دینداری مردم بودند آغاز شد... در نهضت ملی شدن صنعت نفت... در ۱۵ خرداد... در انقلاب اسلامی... در دفاع مقدس و در قضایای گوناگون، دین و انگیزه دینی، مردم را کشاند... علاوه بر ایمان دینی، معرفت دینی هم لازم است؛ ایمان دینی باید با معرفت همراه باشد؛ معرفت دینی چیست؟ همین مطلّبی که مرحوم مدرس فرمود که «دینات ما عین سیاست ما است، سیاست ما عین دینات ما است» و امام بزرگوار ما هم همین معنا و همین مفهوم را هم گفت و هم عملی کرد؛ این یکی از عناصر اقتدار کشور است...» (۹۵/۱۰/۱۹- در جمع مردم قم)

باید اعتراف کرد جبهه انقلاب اسلامی آنچنان که باید پای فرمایشات حضرت اقامتی نشینند و آنچنان که شایسته است، سخنان آن عزیز را به میدان نمی‌آورد؛ به‌اصطلاح، صحبت‌ها را «مبنری» «کوش می‌دهیم و» خلاص... نکته‌ای که اتفاقا غربی‌ها بر خلاف ما خیلی خوب رعایت می‌کنند و از کوچک‌ترین رهنمودها نیز نمی‌گذرند؛ مثلا کافی است تا نشریه «فارین‌افروز» ارگان رسمی شورای روابط خارجی آمریکا یک کلمه بنویسند: «قبل از اینکه خیلی دیر شود، اعتدالینو را تقویت کنید!». و بعد از آن است که می‌بینی کنگره آمریکا، تحریریه‌ها را به بعد از انتخابات موکول می‌کند، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی، برای ترسور صوری روحانی برنامهریزی می‌کند و ترامپ هم همه‌تلق‌های آتشین انتخاباتی‌اش را زیر پا می‌گذارد و تنش با

روسیه را به جان می‌خرد و به سوریه حمله می‌کند تا شاید- تأکید می‌کنم، شاید- چنین الفا کند که ایرانی‌ها! حواس‌تان را جمع کنید! یا جنگ یا صلح!

۲- در ماه‌های اخیر، هر چه جلوتر آمده‌ایم و بحث انتخابات پررنگ‌تر شده، رهبر فرزانه انقلاب نیز در رویکردی قابل تأمل، به تشریح ابعاد این راهبرد (انقلاب تنها راه علاج است) پرداخته‌اند اما پیش از آنکه نگاهی به این راهبرد داشته باشیم، بیان یک نکته ضروری است؛ اینکه: در طول ۳۹ سال گذشته، از مسؤولان دوره‌های مختلف بسیار شنیده‌ایم که نارسایی‌های کشور را متوجه دشمنی‌های نظام سلطه کرده‌اند، نکته‌ای که اتفاقا امام خامنه‌ای نیز در ماه‌های اخیر به آن پرداخته‌اند: «دشمنان بیکار نمی‌نشینند، نقشه می‌کشند؛ هنر این است که نقشه دشمن را، توطئه دشمن را، نقطه‌ای را که آماج حمله دشمن است، بشناسیم و برای مواجهه با او، برای مقابله با او، برای خشی کردن کار دشمن طرح داشته باشیم، انگیزه داشته باشیم و فکر داشته باشیم؛ وادادگی در مقابل دشمن، دروازه همه آسیب‌هایی است که بر یک کشور وارد می‌شود...» (۹۵/۸/۲۶- در جمع مردم اصفهان)

... ولی در همه ۳۹ سال گذشته و بویژه در ۴-۳ سال اخیر، از برخی چهره‌ها بسیار شنیده‌ایم که اینکه امام فرمود: دشمن اصلی ما آمریکاست و هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بزنید، از سر تعصب و غرور است یعنی منطقی پشت‌سرش نیست! و شاگرد عزیز حضرت امام پاسخ می‌دهند: «تبلیغ می‌کنند اینکه امام فرمود هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بزنید- که امروز هم همین حکم جاری است- از سر تعصب و غرور است یعنی منطقی پشت‌سرش نیست... عامل این تزییق در درجه اول خود دستگاه استکبار و آمریکاست و در درجه دوم بعضی آدم‌ها در داخل که بعضی‌شان وابسته به تشکیلات سرویس‌های جاسوسی یا سیاسی یا مراکز خاص آمریکایی هستند و بعضی‌شان وابستی‌شان ندارند (اما) از نفس افتاده‌ها، بشیم!شده‌ها، بونی لذت دنیا به مشام‌شان رسیده‌ها هستند... درست ۱۸۰

درجه قضیه عکس است؛ اینکه فرمود هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بزنید، پشتش یک منطق محکم وجود دارد، آن منطق این است که اساس سیاست آمریکا بر افزون‌طلبی و دست‌اندازی است... اینکه امام گفتند در مقابل آمریکا بایستید، به معنای دفاع از ارزش‌هاست، نه فقط ارزش‌ها مخصوص مسلمان‌ها [بلکه] دفاع از ارزش‌های انسانی... دشمنی آمریکا همیشه وجود داشته؛ قبل از انقلاب یک جور، بعد از انقلاب یک جور، قبل از جنگ یک جور، در دوران جنگ یک جور، بعد از جنگ تا امروز یک جور، در قضیه برجام یک جور، بعد از برجام یک جور... خطای دوم، فکسر غلط و خطایی است که این هم به نحوی از سوی آمریکایی‌ها تزییق می‌شود و کسانی هم در داخل آن را ترویج می‌کنند... اینکه اگر ما با آمریکا سازش کنیم، مشکلات کشور حل خواهد شد... این از آن اشتباهات عجیب و غریب و بسیار خطرناک است... خب! حالا ۱۰ تا دلیل می‌شود شمرد برای اینکه این حرف غلط است، دروغ است و فریب است؛ سازش با آمریکا مشکلات کشور را به‌هیچ‌وجه حل نمی‌کند؛ نه مشکلات اقتصادی را، نه مشکلات سیاسی را، نه مشکلات امنیتی را، نه مشکلات اخلاقی را بلکه بدتر خواهد کرد... آخری‌اش همین قضیه برجام است؛ من چقدر در طول مذاکرات گتم که اینها بدعه‌دند، اینها دروغ‌گویند، اینها پای حرف‌شان نمی‌ایستند؛ حالا ملاحظه می‌کنید! امروز آن کسی که دارد می‌گوید آنها بدعه‌دند دیگر من فقط نیستم؛ مسؤولان محترم کشور، خود مذاکره‌کنندگان ما که این همه زحمت کشیدند، آنها دارند می‌گویند...» (۹۵/۸/۱۲- در دیدار

دانش آموزان و دانشجویان)

۳- خلف صالح حضرت امام اما در آستانه انتخابات و به منظور هدایت دل‌ها به سمت انتخاب اصلح، باب جدیدی از مفهوم دشمن را گشودند: «علاوه بر اینها یک دشمن دیگری وجود دارد و او درون خود ما است... آن دشمن درونی عبارت است از بی‌انگیزگی، ناامیدی، بی‌حالی، بی‌نشاطی و تنبلی؛ «اللهم انی أعوذ بک من الکسل و الهمز و الجبن و البخل و الغفله و القسوة و الفتنة و المسکنة»؛ اینها دشمن‌های ما هستند؛ «اللهم انی أعوذ بک من نفس لا تسبّع و من قلب لا یخشع و من دُعاء لا یُسْمَع و من ضلّاه لا تنفع؛ اینها دشمنان درونی ما هستند؛ همه را به گردن بیرونی‌ها نمی‌اندازم؛ ما هم اگر بد عمل کنیم، اگر به وقت عمل نکنیم، اگر تنبلی کنیم، اگر دشمن را اشتباه بگیریم، اگر به جای شیطان اکبر واقعی، یک هم دشمنان ما است...» که حالا برادر ما است ولو ناباب پس این هم دشمنن ما است، حواس‌مان باشد؛ وقتی می‌گوییم دشمن خارجی، معنایش این نیست که در خودمان هیچ‌گونه نقعی وجود ندارد؛ ن‌ها سیاست‌های غلط، سیاست‌های بد، رفتارهای بد، اختلافات گوناگون بی‌وجه، تنبلی کردن، اقدام نکردن، تنگ‌نظری، اینها هم دشمنان ما است...»
هم دشمن را باید شناخت و هم شیوه‌های دشمنی را... [همه] باید بداندند؛ مسؤولان باید بداندند، مردم باید بداندند، جوان‌های ما باید بداندند، کارگرهای ما باید بداندند، دانشگاهی‌های ما باید بداندند که هدف دشمن، ملت ایران و ایران اسلامی است، هدف‌شان نظام اسلامی است...» (۹۵/۱۰/۱۹- در جمع مردم قم)

۴- از نگاه امام هوشمند و فزانه ما، نظام سلطه که حالا موقد شده لشکر پیادمنظمی‌هم از بی‌انگیزه‌ها و ناامیدها و بی‌نشاطها و تنبل‌ها را برای خود دست و پا کند، تنها و تنها یک هدف را دنبال می‌کند:

«دشمن در تبلیغات وسیع خود تلاش می‌کند کمبودهای معیشتی و اقتصادی کشور را به نظام اسلامی و به جمهوری اسلامی نسبت بدهد؛ آنها می‌خواهند این جور وانمود بکنند که نظام اسلامی قادر نبوده و نیست که مشکل اقتصادی و مشکلات اساسی ملت ایران را حل و گره‌ها را باز کند...» (۹۶/۱/۱۰ - در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی)

... و مع الانصف پروژه جدایی دین از سیاست، هنوز کارایی دارد: «هرروز یکی از توصیه‌های اساسی‌ای که هیات‌های اندیشه‌ورز آمریکایی و انگلیسی دور هم می‌نشینند و فکر می‌کنند و طراحی می‌کنند و به فعالان مطبوعاتی و رسانه‌ای و اینترنتی و سیاسی و غیره تعلیم می‌دهند، این است که می‌گویند با دین سیاسی باید مخالفت کرد؛ یعنی تبلیغ جدایی دین از سیاست؛ یعنی جدایی دین از زندگی؛ دین گوشه مسجد، دین داخل خانه، دین فقط در دل، نه در عمل، که اقتصاد غیردینی باشد، سیاست غیردینی باشد، زیر بار دشمن رفتن و با دوست جنگیدن؛ ظاهر هم ظاهر دینی باشد...» (۹۵/۱۰/۱۹- در جمع مردم قم)

۵- با این اوصاف ملت ایران در آزمون سخت و نفسگیر انتخابات، لاجرم باید تکلیف خود را با ۲ دشمن مشخص کند؛ دو دشمنی که به مثابه دو لبه قیچی، به دنبال یک هدفند.
الف- استکبار جهانی: «ما با استکبار جهانی در حال جنگ نامتقارن هستیم؛ معنای جنگ نامتقارن این است که دو طرف جنگ از منابع مختلف‌الحال، با هویت‌های مختلف برخوردارند؛ جنگ نامتقارن یعنی هرکدام از این دو طرف امکاناتی دارند، منابع قدرتی دارند که طرف دیگر آن را ندارد... چرا! منابع نامتقارن؟ ممکن است او یک امکاناتی داشته باشد که ما نداشته باشیم اما ما هم امکاناتی داریم که او ندارد؛ آن امکان چیست؟ توکل، اعتماد به خدا، اعتماد به پیروزی نهایی، اعتماد به قدرت اراده انسان مومن؛ این را ما داریم؛ در جنگ نامتقارن اراده‌ها هستند که با هم می‌جنگند؛ هر اراده‌ای غلبه پیدا کرد، پیروز خواهد شد؛ در میدان نبرد، اراده را دچار تزلزل نکنید؛ اگر یک طرف جنگ در میدان نبرد اراده‌اش سست شد، قطعا شکست خواهد خورد؛ نگذارید اراده‌تان سست بشود؛ نگذارید تبلیغات و وسوسه‌های دشمن، در اراده و عزم راسخ شما تزلزل ایجاد کند؛ این اراده مستحکم را نگه دارید؛ این ضامن پیروزی است...» (۹۵/۳/۳- در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین)

ب- همان بی‌انگیزه‌ها و ناامیدها و ...: «بعضی‌ها جوان را به آینده بی‌اعتماد می‌کنند، به انقلاب بی‌اعتماد می‌کنند، جوان را از نفس گرم امام دور می‌کنند؛ خب! این خراب می‌شود دیگر... جوان ما خیلی خوب است؛ اگر به اسم آزادی، لایالی‌گری را تزییق کنیم، به اسم عقل و نگاه عقلایی سازش و تسلیم در مقابل دشمن را القا کنیم، خب! زامنه خراب می‌شود دیگر؛ این راه را باید با استحکام ادامه داد؛ امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «فتْرِیْ قُلُوبَ بَعْدَ اسْتِقَامَةٍ وَ تَضَلَّ رِجَالُ

نگاهی به ملاک‌های گزینش بالاترین مقام اجرایی کشور

انتخاب دولت متدین انقلابی برنامهریز!

■ سیدمحسن میرخانی ■

بَعْدَ سَلَامَةٍ... می‌گویند: بعضی‌ها یک روزی درست حرکت می‌کردند اما دل‌های‌شان واژگونه شده؛ حالا چرا واژگونه می‌شود؟ خدا که به کسی ظلم نمی‌کند؛ خودمان هستیم که آلوده دنیا می‌شویم... آلوده محبت‌های بیجا می‌شویم، آلوده جاه‌طلبی می‌شویم، آلوده رقیق‌بازی می‌شویم، آلوده جناح‌بازی و حزب‌بازی می‌شویم، دل‌مان واژگونه می‌شود و از آن راه درست، از آن اسقامت اولی برمی‌گردیم... جلوی اینها را باید گرفت و از اینها باید به خدا پناه برد...» (۹۵/۸/۱۲- در دیدار دانش آموزان و دانشجویان)

۶- حال، سوال این است که برای مصون ماندن از نقشه دشمن چه کار کنیم؟

الف – «چه کار کنیم- می‌فرماید: «وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا؛ یا ایهاالنبی اتق الله و لا تطع الکفرین و المنافقین ان الله کان علیهما حکیمًا...»
از آنها تبعیت نکن؛ تو برنامه داری، تو برنامه کار داری، برنامه زندگی داری؛ وحی الهی تو را تنها نگذاشته است؛ قرآن در اختیار تو است، اسلام در اختیار تو است، برنامه اسلام در اختیار تو است؛ این راه را برو! ببینید! اینها همه آیات اول سوره احزاب است... درست توجه کنند جوان‌های عزیز! در بین جهادها، جهادی هست که خدای تعال در قرآن آن را جهاد کینیه نام نهاده است؛ «وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا کَبِيرًا» (سوره مبارک فرقان، بخشی از آیه ۵۲- با الهام از قرآن با آنان به جهادی بزرگ بپرداز)؛ «به» یعنی به قرآن؛ در مکه، جنگ نظامی مطرح نبود، پیغمبر و مسلمان‌ها مأمور به جنگ نظامی نبودند، کاری که آنها می‌کردند، کار دیگری بود؛ آن کار دیگر چیست؟ ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت است؛ این تقسیم‌بندی غیر از تقسیم‌بندی جهاد اکبر و جهاد اصغر است... تبعیت نکردن در کجا؟ در میدان‌های مختلف... عدم تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر و در میدان‌های مختلف...» (۹۵/۳/۳ - در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام)
موسای انقلاب اسلامی برای قوت قلب و در دیداری که چهره‌هایی چون سردار سرلشکر حاج قاسم سلیمانی هم نشستند، می‌فرمایند: ب- «همین حضرت موسی... وقتی کارشان به معارضه و رو در رویی علنی افتاد و بنی‌اسرائیل را جمع کرد که صبحگاه خیلی زود با نیمه‌شب... فرار کنند... فرعون لشکر را جمع کرد و پشت‌سر اینها راه افتاد... خب! اینها یک مشت مرم و زن و بچه بودند که دانشندند پیاده و بدون تجهیزات می‌رفتند... اما آنها با تجهیزات و سپاه و لشکر و اسب و همه چیز و طبعاً زود هم به آنها رسیدند؛ اصحاب موسی که از دور دیدند لشکر فرعون دارد می‌آید؛ دست‌پاچه نشدند؛ قرآن – سوره شعرا- می‌فرماید: «قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُعَذِّبُونَ» گفتند: الان می‌رسند اما حضرت موسی در جواب گفت: کلاً هرگز چنین چیزی پیش نخواهد آمد؛ چرا؟

«إِن مَّعِيَ رَبٌّ سَيُهِدِینَ» خدا با من است... ببینید! معیت الهی این قدر اهمیت دارد... این معیت را باید قدر دانست، اگر من و شما بتوانیم این معیت الهی را حفظ کنیم، بدانید آمریکا که هیچ، ۱۰ برابر قدرت آمریکا هم کسانی در دنیا نیرو داشته باشند، این نیرویی که خدا با او است، بر آنها غلبه خواهد کرد... این تبعیت نکردن آنقدر مهم است که خدای متعال پیغمبر خود را مکرر به آن توصیه می‌کند...» (۹۵/۸/۲۳- در دیدار بسیجیان)

ب- «من آنچه نیاز امروز می‌دانم، در درجه اول، ایستادگی بر اصول انقلاب است؛ اصول انقلاب هم همان چیزهایی است که در بیانات و وصیتنامه حضرت امام وجود دارد... نمی‌شود امام را تأویل کرد، نمی‌شود امام را برخلاف آنچه بود معنا کرد، حرف‌های او موجود است...» (۹۵/۸/۲۶- در جمع مردم اصفهان)

ت- «اسام این را به ما فهماند که وقتی مجاهدت می‌کنید، وقتی تنبلی نمی‌کنید، وقتی وارد میدان می‌شوید، وقتی نیروهای خودتان را به صحنه وارد می‌کنید، اینجا قدرت خداست که پشت‌سر شماست و لذا خرم‌شهر را خدا آزاد می‌کند...» (۹۵/۳/۳ –

در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام)

معظم‌له وقتی قرار است وارد مصادیق انتخاب اصلح شوند، البته از بیان نقطه ضعف‌ها رودریاستی ندارند؛ «در طول این سال‌ها، ضعف‌های زیادی وجود داشته که این مربوط به مدیریت‌های ما است، مربوط به حرکت عمومی نظام اسلامی نیست؛ ما هرجا یک مدیریت انقلابی فعال پرتحرک داشتیم، کار کم پیش رفته است؛ هرجا مدیریت‌های ضعیف، بی‌حال، ناامید، غیرانقلابی و بی‌تحرک داشتیم؛ کارها با متوقف ماندن یا انحراف پیدا کرده است... باید مدیران‌مان ان‌شاءالله پراکنگ‌تر باشند، کارآمدتر باشند، تلاش بیشتری را انجام دهند و به حول و قوه الهی همین‌جور هم خواهد شد...» (۹۵/۱۰/۱۹- در جمع مردم قم)
و سپس به تبیین سمت و سوی رأی ملت اشاره

می‌کنند
الف- «آنچه من روی آن تکیه می‌کنم روحیه انقلابیگری است؛ این روحیه را باید حفظ کنید، معنای روحیه انقلابی چیست؟ معنایش این است که یک انسان انقلابی، شجاعت دارد، اهل اقدام است، اهل عمل است، ابتکار می‌ورزد، بن‌بست‌شکنی می‌کند، گره‌گشایی می‌کند؛ از چیزی نمی‌ترسد، به آینده امیدوار است، به امید خدا به سمت آینده روشن حرکت می‌کند؛ انقلابیگری یعنی این؛ این فرد انقلابی است؛ این روحیه انقلابی را باید حفظ کرد...» (۹۵/۸/۱۲- در دیدار دانش آموزان و دانشجویان)

ب- «ما اگر بتوانیم یک دستگاه امنیتی قوی داشته باشیم، یک دستگاه نظامی مردمی مقتدر داشته باشیم، یک حرکت عظیم مردمی به نام بسیج داشته باشیم، یک روحانیت آگاه و متوجه به زمان و زمان‌شناس و داخل صحنه داشته باشیم، یک قوه‌قضائیه مقتدر کامل داشته باشیم، یک دولت برنامه‌ریز دقیق شجاع داشته باشیم؛ حرکت ملت ایران و حرکت کشور، حرکت موفقیت خواهد شد...» (۹۵/۱۰/۱۹- در جمع مردم قم)
پ- «ما بن‌بست نداریم؛ ما راهی که نتوانیم حرکت کنیم و پیش برویم نداریم؛ ما می‌توانیم پیش برویم، یک خرده باید به خودمان تحرک ببخشیم؛ یکی از الزامات، مدیریت کارآمد و متعهد و متدین است؛ مسؤولان بالای کشور، برای بخش‌هایی که به تولید ارتباط پیدا می‌کند، مدیریت‌های کارآمد بگذارند؛ مدیریت‌های باشناط، باحال، مدیریت‌های علاقه‌مند، پراکنگیزه و قوی... نیاز ما اقتصاد قوی، تولید قوی، همراه با مدیریت قوی است... دست‌مان به سمت دیگران دراز نباشد، بتوانیم انتخاب کنیم، بتوانیم حرکت کنیم، بتوانیم اقدام کنیم، بتوانیم، بتوانیم اثر بگذاریم؛ پول ملی را ارزشمند کنیم و قدرت خرید مردم را بالا ببریم... بدون چنین اقتصادی به یک عزت مستمر و به یک امنیت مستمر نخواهیم رسید... البته بدون اتحاد ملی، بدون پیوند عمومی ملت با نظام، بدون فرهنگ انقلابی و بدون مسؤولان شجاع و فعال و پراکار این خواسته‌ها تأمین نخواهد شد...» (۹۶/۱/۱۰ - در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی)

۷- رهبر حکیم انقلاب در خلال این چند سخنرانی که انتخاب شده بود، ۲ توصیه مهم نیز داشتند:

الف – «شما مثل بچه‌های من هستید، فرزندان ما هستید، جوان‌های ما هستید، ایده‌های ما هستید، آینده ما دست شماست، آینده این کشور دست شماست... شما هستید که این کشور را باید اداره کنید؛ عزیزان من! علاج مشکلات این کشور چه مشکلاتی که امروز داریم، چه مشکلاتی که بعدها خواهیم داشت... در گرو جوئسیدن اراده و استقامت از درون ملت است؛ باید از درون ملت، اراده، استقامت، عزم راسخ و ایستادگی بجوشد؛ چشم‌ها، باز، روحیه‌ها با توکل به خدا و اعتماد به نفس، قوی؛ اگر به خدا توکل داشته باشیم و به خودمان اعتماد کنیم، روحیه‌های‌مان قوی خواهد بود؛ هم در زمینه علمی، هم در زمینه مدیریتی، هم در زمینه اداری... سفارش من به جوان‌ها این است که با چشم‌باز نگاه کنید، با بصیرت نگاه کنید، هر حرفی را از هر گوینده‌ای نپذیرید؛ مبدأ حرکت و مبدأ انقلاب، امام بزرگوار است، حرف او را حجت بدانید؛ نگاه کنید ببینید اسام چه می‌گفت؛ نگویند اگر امام هم امروز بود، این جوری عمل می‌کرد؛ نخیر! این غلط است، ما سال‌های متمادی با امام بودیم و امام را بهتر از آنها می‌شناسیم؛ امام اگر امروز بود، همان فریاد ابراهیمی بت‌شکن را امروز هم می‌زد؛ همان فریادی که ملت را بیدار کرد و به انقلاب رساند...» (۹۵/۸/۱۲- در دیدار دانش آموزان و دانشجویان)

ب- «وظیفه تبیین، امروز بر دوش همه است... امروز این جهاد کبیر به میزان زیادی متوقف به تبیین است؛ تبیین، بیان کردن، روشن‌نگری؛ امروز روشن‌نگری لازم است؛ سعی کنید ذهن‌ها را با عمق‌یابی، به ابعاد حقایق و مسائل برسانید... شعارهای انقلاب را باید حفظ کرد... کادر سزاری یکی دیگر از کارهاست... خدای متعال تضرع و توجه کنیم؛ انس‌تان را با قرآن حفظ کنید؛ به نماز توجه کنید... جوان‌های عزیز! بچه‌های عزیز من! فردا مال شما است، آینده مال شماست؛ شما هستید که باید این تاریخ را با عزتش محفوظ نگه دارید؛ شما هستید که این بار مسؤولیت را بر دوش دارید؛ خرم‌شهرها در پیش است؛ نه در میدان جنگ نظامی بلکه در یک میدانی که از جنگ نظامی سخت‌تر است، البته ویرانی‌های جنگ نظامی‌اش ندارد؛ به عکس، آبادانی به دنبال دارد اما سختی‌اش بیشتر است...»

۸- و بالاخره اینکه؛ آنچنانکه ملاحظه کردید امام خامنه‌ای عزیز تأکید بسیاری داشتند بر اینکه «حرف و بیان وجودت، امام، حجت است» و این یعنی مغظم‌له بنده و شما را مکلف کرده‌اند به «صحیفه‌خوانی» اما به اعتقاد این قلم، صحیفه‌خوانی بدون «آقاخوانی»، راه به جایی نخواهد برد...



متن کتاب «تپه‌ری میسان»، نویسنده فرانسوی درباره حادثه ۱۱سپتامبر

دروغ بزرگ

وخیم شدن اوضاع نظامی موجب شد نیروی هوایی ایالات متحده از تئوری ضربات جراحی دست برداشته و از سلاح‌های کشتار جمعی استفاده کند، یعنی بمب‌های ب ال یو ۸۲ (BLU-82) (که به کاترهای زنجیری معروفند) تا آخرین جنگجویان پراکنده در کوه‌ها را متلاشی و خنثی کند. جنگ با قطعنامه ۱۳۷۸ شورای امنیت سازمان ملل پایان یافت، قطعنامه چارچوب گفت‌وگوهای بن (آلمان) که در آنجا گروه‌های افغانی بر سر دولت جدید موافقت کردند را مشخص کرد. در طول مذاکرات قرار شد یک دولت موقت به ریاست پادشاه سابق – ظاهر شاه – تشکیل شود. نفر دوم همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد حامد کرزی بود که به نخست‌وزیری انتخاب شد. در زمان جنگ علیه روس‌ها، او شخصاً با رئیس‌سیا در آن زمان، ویلیام کیسی، ارتباط داشت. بعداً او به آمریکا مهاجرت کرده و یکی از دوستان خانواده بوش شد و به استخدام یکی از شرکت‌های وابسته به UNOCAL درآمد.

ژنرال عبدالرشید دوستم که به دلیل خشونت‌ها و بی‌رحمی‌های ۲۰ سال‌ش به چنگیزخان ملقب شده بود، موقت شد انتلاف جهانی را بموقع دور هم جمع کند و خیلی خوب از عهده آن کار برآمد و نه‌تنها به خاطر جنایات جنگی تحت تعقیب قرار نگرفت، بلکه به کابینه جدید نیز راه یافت. قطعنامه ۱۳۸۲ شورای امنیت در تاریخ ۶ دسامبر ۲۰۰۱ این تصمیم را معتبر کرد. صدها هزار افغانی که به دلیل بمباران کشورشان را ترک کرده بودند به خانه بازگشتند. عملیات موسوم به آزادی دائمی اساساً از داخل شورای امنیت ملی ایالات متحده توسط زلمی خلیل‌زاد هدایت شد. زلمی خلیل‌زاد فرزند یکی از مشاوران پادشاه سابق، ظاهرشاه بود که در دانشگاه شیکاگو در آمریکا تحصیل کرد. در داخل کشورش در کنار سیا در زمان جنگ با روسیه جنگید، قبل از اینکه به ملیت آمریکا درآید، با شغلی به‌عنوان مشاور در وزارت کشور در زمان رونالد ریگان. در زمان ریاست جمهوری بوش پدر به معاونت وزارت دفاع منصوب شد و در عملیات توفان صحرا علیه عراق نقشی کلیدی برعهده داشت. در دوره زمامداری کلینتون برای شرکت‌های رند (Rand) و یونوکل (UNOCAL) کار می‌کرد. هنگامی که مذاکرات با طالبان ادامه داشت، او با بیان این نکته در واشنگتن پست که طالبان احساسات ضد آمریکایی بنیادگرایان ایرانی را ندارد از آنان دفاع کرد. هنگامی که مذاکرات خط لوله نفت متوقف شد، او کارشناس اصلی در مسائل افغانی در حکومت بوش شد. در پایان جنگ، او نماینده ویژه در افغانستان شد. در آینده او باید ناظر ساختن خط لوله نفت که مورد حسادت همگان است، باشد. مطبوعات بین‌المللی برای بازدید از بقایای تاسیسات طالبان و القاعده وارد افغانستان شدند. آنها شاهد مخروبه‌هایی شدند که انبوه سلاح‌های به میراث رسیده از روس‌ها بود، اما هیچ روزنامه‌نگاری کارخانه‌های تولید سلاح‌های شیمیایی و باکترپولوزی را مشاهده نکرد یا مراکز تولید سلاح‌های اتمی و کمتر از آن پایگاه‌های پرتاب ماهواره که دونالد رامسفلد ما را از آنها ترسانده بود.

بزرگ‌ترین ارتش دنیا‌قادر به یافتن دشمن شماره یک جامعه که برای دستگیری‌اش فرستاده بودند نبود، در حالی که ملاعمر روی یک موتور به پاکستان گریخت. طبق معمول کارها از سر گرفته می‌شود، محصول تریاک آزادانه در بازار آمریکای شمالی توزیع خواهد شد و در ۹ فوریه ۲۰۰۲ حامد کرزی و همتای پاکستانی‌اش، ژنرال مشرف، قرارداد ساخت خط لوله آسیای مرکزی را امضا کردند.

